



حمایت از تعاونی‌های تولیدی، لازمه خصوصی‌سازی در کشاورزی

محسن معظمی‌گودرزی

mohsen_moazami2000@yahoo.com

نیروی تحصیل‌کرده‌ای که میلیون‌ها تومان برای به بار نشستن استعداد و توانمندی او هزینه شده است را به بازی گرفت!!

در این میان به نظر می‌رسد حمایت از تعاونی‌های تولید و ایجاد ساز و کار مناسب جهت خودگردان کردن آنان و سودآور نمودن فعالیت آن امری حیاتی است که دولت در راستای اجرای اصل ۴۴ از هم اکنون باید آن را از وظایف خود بداند.

توصیه‌های موثر و موکد مقام معظم رهبری بر لزوم اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴، بهترین الگو برای مسوولان خواهد بود تا آنها با استفاده از این توصیه‌ها بتوانند گام‌های کارشناسی شده و موثر بردارند.

به گفته‌ی یکی از مسوولان، تمام واگذاری‌ها تا پایان سال ۱۳۹۰ قطعاً انجام خواهد شد. اما به راستی به صرف فقط و فقط واگذاری و خصوصی‌سازی، زنجیره تداوم اشتغال و توسعه اقتصادی پایدار خواهد شد یا اینکه نتایج عکسی را به همراه خواهد آورد.

به نظر می‌رسد هم اکنون بهترین فرصت برای آغاز تحولی عظیم در بخش اقتصاد کشور پدید آمده است. توجه رهبر معظم انقلاب به این مساله بسیار حایز اهمیت است و مسوولان جای هیچ گونه اشتباه، سهل‌انگاری و خطا در محاسبه را ندارند و آنها موظفند که با نگاه کارشناسی شده و صحیح در این راه پا بگذارند. صنعت کشاورزی مهمترین صنعتی است که تداوم و بقای یک جامعه را تشکیل می‌دهد. خصوصی بودن این بخش در نهاد ساختار آن نهفته است اما دستانی که بتواند این اصل مهم را سازماندهی کند نباید لرزش داشته باشد.

نوع فعالیت خود نرسیده‌اند و یا قادر به تامین منابع مالی لازم و کافی نیستند، با صرف هزینه مادی و معنوی و دل خوش کردن به این مساله که با تاسیس شرکت در آینده‌ای نه چندان دور دارای شغل و موقعیت اجتماعی مناسبی می‌شوند تعاونی منحل می‌گردد و جوانانی که برای خود راهی را متصور شده بودند تا به واسطه آن آینده

را بسازند در دل جامعه رها شده و همه چیز به نقطه اول بازمی‌گردد. اکثر شرکت‌هایی که می‌توانند ایستادگی کنند بعد از گذشت مدت زمانی

از آغاز فعالیتشان به علت عدم داشتن بنیه اقتصادی قوی از درون متلاشی می‌شوند و خواه ناخواه تعاونی و یا شرکت‌های قدیمی به خاطر وجود فاکتورهای مهمی همچون منابع قابل اتکای مالی، مدیریت قاطع و نیروی متخصص مجرب و همچنین جلب اعتماد مشتریان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

با توجه به این مطالب، تشکیل تعاونی‌های کوچک به منزله‌ی تشکیل نطفه‌ای است که هیچگاه به تشکیل چنین و موجود زنده‌ای که بتواند رشد کرده بالغ شود تا در نتیجه ماهیت زایایی پیدا کند نمی‌رسد.

اجرای خصوصی‌سازی کار بسیار حساسی است که عدم توجه به نحوه‌ی واگذاری‌های این بخش تبعات بسیار خطرناکی را نه تنها برای بخش کشاورزی بلکه برای کلیه صنایعی که در ارتباط مستقیم با سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ هستند، به همراه دارد. قطعاً نمی‌توان

در راستای اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی که رابطه بسیار مهمی نیز با توسعه اشتغال دارد، تشکیل واحدهای تعاونی کوچک و بزرگ می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در این راستا داشته باشند. از طرفی نگاه بخش خصوصی به صنعت کشاورزی به گونه‌ای شده است که گسترش تعاونی و

یا اتحادیه‌های گوناگون با وارد شدن خیل عظیم فارغ‌التحصیلان گرایش‌های گوناگون این بخش توسعه بیشتری پیدا کرده است. کسانی که متقاضی تشکیل چنین واحدهایی هستند باید به

اداره تعاون شهرستان مورد نظر مراجعه کرده و پس از تعیین هیات مدیره، مدیر عامل و... اساسنامه را تنظیم و تعاونی مورد نظر را ثبت نمایند. سپس با در دست داشتن شماره ثبت و سایر مدارک به سازمان نظام مهندسی مراجعه نموده تا شرکت مورد نظر رتبه‌بندی شود. بعد از انجام این مراحل اداری به وزارت جهاد کشاورزی استان ارجاع داده می‌شوند تا بنا به نوع فعالیت شرکت به شهرستان‌های تابعه معرفی شوند.

اما به راستی تاسیس چنین واحدهایی تا چه اندازه می‌تواند سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی و اشتغال را تحقق ببخشد؟ آیا جوانانی که به تازگی اقدام به تشکیل چنین واحدهایی کرده‌اند می‌توانند در برابر شرکت‌های بزرگتر ایستادگی کرده و با آنها رقابت کنند؟ از طرفی، اکثر تعاونی‌هایی که تشکیل می‌شوند چون به جمع‌بندی و هدف‌گذاری مناسب و کاملی نسبت به